

ناصر و ثوقی

چشم اندازهای تازه از روابط انسان و صنعت

پیدایش ماشین و انقلاب صنعتی از اواخر قرن هیجدهم روابط تولیدی و اقتصادی جامعه بشری را دستخوش تغییرات و تحولات عمیق و دامنه داری گردانید و نظم اجتماع کهن را درهم ریخت. اما ماشین و تکنیک چیزی نبود که پس از اینکه یکبار بوجود آمد وضع و موقعیت ثابتی پیدا کند ماشین ساده اولیه با پیشرفت زمان و توسعه علوم و تحول تکنیک بطور تدریجی ولی معاوم بدستگاه پیچیده و شگفتی تبدیل میگردد و میزان تسانیر و تحول آن در اجتماع و روابط اجتماعی نیز بهمان اندازه دیگرگون و عمیق تر میشد. ماشینیزم و انقلاب صنعتی يك طبقه تازه همراه وهم گام خود بوجود آورد.

طبقه جدید با راه و روش انقلابی خود معیارها و ارزشهای جامعه قدیم را بدور ریخت و برای زندگی و آینده خود معیارها و ارزشهایی که با شرایط و مقتضیات محیط تازه توافق داشت اختیار نمود. مکتب جدید انقلابی ساختمان اجتماع را با دقت علمی تجزیه و تحلیل نمود و علل رنج و محرومیت بشری را شناخت.

اما تمام ارزش آن منحصر باین تجزیه و تحلیل علمی نبود زیرا برای خاتمه دادن بمحرومیت بشری و استثمار نیز تدابیری اندیشیده بود و راه درمانی تجویز مینمود. تدبیر و چاره اندیشی مکتب انقلابی که مولود ماشینیزم و انقلاب صنعتی بود بطور طبیعی تحت تسانیر قطعی شرایط محیط میزان تحول و تکامل ماشین و تکنیک در آن عصر و حدود پیشرفت علمی و جهان بینی آن روز بنیان گذاران مکتب قرار داشت. لیکن ماشین و تکنیک در آن مرحله از تحول و تکامل توقف ننمود و شرایط اجتماعی و اقتصادی اجتماع نیز با تکامل بیشتر ماشین دیگرگون شد. اگر ماشین نساجی اولیه که در انگلستان ساخته شد با دستگاههای عظیم ریسندگی و بافندگی امروزی که بجای آن نصب است مقایسه شود اختلاف نتیجه گیری و طرز تفکر افرادی که با ماشین ساده اولیه سروکار داشتند با کسانی که امروز دستگاههای عظیم صنعتی را بکار میاندازند آشکار میگردد.

در سالهای اولیه پیدایش تنها عده ای از افراد اجتماع روی ماشینها کار میکردند. اما امروز ماشین و تکنیک چنان تکثیر و تعمیم یافته است که اکثریت

اجتماع اجبارا با آن سروکار یافته اند. در عین حال تأثیری که ماشین تکامل یافته امروزی در روابط اجتماعی خواهد بخشید قابل حساب و پیش بینی نیست و نمیتوان آنرا در حدود يك دستگام منطقی ساده محصور گردانید. ماشینیزم جدید شرایط اجتماعی و بین المللی تازه و روابط اقتصادی نوین بوجود میآورد و آنچه قبلا بعنوان حدود تحول یا شکل تغییرات اقتصادی و اجتماعی در شرایطی غیر از شرایط امروزی پیش بینی شده است بیطلان محکوم مینماید...

• • •

انقلاب ۱۸۴۸ نقطه عطفی در تاریخ اروپا بود. در آن روزگار سراسر اروپا در آتش جنگهای داخلی میسوخت و لیبرالها و ناسیونالیستها برای دموکراسی و استقلال مبارزه و تلاش میکردند. طبقه کارگر بعنوان يك اقلیت نقش همکاری و معاونت لیبرالها را ایفا مینمود و مثلا در انگلستان جناح اساسی قیام لیبرال محسوب میشد.

پس از ۱۸۴۸ همانطور که صنایع و ماشین تکامل یافت سازمانهای مستقل طبقه کارگر نیز بوجود آمد. اما این بار بجای همکاری با طبقات متوسط و بازرگان دست بمخالفت زد. ارباب جدید اجتماع سرمایه داری بود و این ارباب برای کارگران خطرناک تر از کسانی بود که در راه انقلاب دموکراتیک مضمحل شدند. ۱۸۴۸ در حقیقت سال شروع نهضت سوسیالیستی علیه سرمایه داری صنعتی بر مبنای مبارزه طبقاتی است.

مانیفست مارکس که در سال ۱۸۴۸ منتشر گردید موثرترین سند منحصر بفرد تاریخ سوسیالیسم است که تا امروز که صد سال از تاریخ انتشارش میگذرد هنوز مورد مطالعه و استناد میباشد.

بموجب مکتب مارکس بدبختی و محرومیت پرولتاریا نتیجه مستقیم يك سیستم اجتماعی است و انقراض این سیستم فقط پس از يك دوره کار تشکیلاتی مداوم و تبلیغات و با اعمال قدرت و زور امکان پذیر است. تاریخ يك توالی حوادث آسمانی نیست بلکه جریانی دائمی از تکامل اجتماعی است که بموجب قوانین و قواعد کلی و عمومی صورت میگیرد. تغییرات و تحولات نتیجه تأثیر نبردهای مخالف و متضاد است که پیوسته سنتزی هالیتر بوجود میآورند.

تکنیک و وسائل تولید تکامل می یابد و چشم انداز ثروت و تولید و تسلط بر طبیعت را در پیش ما می کشاید. با تکامل و وسائل تولید طبقات مختلف نیز تکامل می یابند و برای تغییر و تحول سازمان اقتصادی تلاش می کنند.

هنگامی که يك روش تولیدی قدیمی و متروک میشود در عین حال سدی برای تکامل اجتماع بوجود میآورد و طبقه ای که با تکنیک و روش جدید همگام است برای نابود ساختن روش و نظم قدیمی دست بفعا لیت میزند و از اینراه وارد مبارزه مستقیم با روابط اقتصادی و اجتماعی موجود و طبقات وابسته بآن میگردد این قانون تکامل اجتماعی است. با اینکه مارکس عقیده داشت که سرمایه داری

پیش افتاده ترین مشکل سازمان اجتماعی است که میتواند مدتی دراز در تاریخ دوام یابد معذالك آنرا يك سیستم پردوامی محسوب نمی نمود .
تکامل تکنیک و اقتصاد از نظر مارکس چشم اندازهای تازه ای ایجاد می نماید که سرمایه داری نمیتواند بآن برسد و بهمین لحاظ بسا يك رشته انقلاب ها سرمایه داری نیز مضمحل خواهد شد

اما شهرت و جاذبه جهانی مارکسیزم زیاد تر بعنوان يك تئوری انقلابی است که مهمترین قسمت آن تجزیه و تحلیل اقتصادی آنست و نه پیش بینی ها و اوضاع احوال جامعه که پس از انقلاب پرولتری بوجود خواهد آمد . مبانی فلسفی اصول انقلاب سیاسی و تئوریهای اقتصادی مارکس که مارکسیزم را تشکیل دادند تکامل یافته محیط و شرایط زمان خود میباشد . مارکسیزم به جریان ایدئولوژیک قرن ۱۹ رادر هم ریخت و با مکتب و اصول انقلاب فرانسه تلفیق نمود لیکن تمام این اصول و مکاتب فکری از طرف مردانی بوجود آمد و تدوین شد که بطبقه کارگر تعلق نداشتند و خود مارکس نیز از آن طبقه نبود .

در وسط قرن نوزدهم پرولتاریا کودکی بود که قدرت نبوغ مارکس و دامنه وسیع تصور و استنتاج او آنرا بمرحله بلوغ رسانید و در افق آینده تاریخ مورد بررسی و مطالعه اش قرار داد . مارکسیزم تمام و مجموعه فکر انسانی و فعالیت انسانی را در طی سه چهار قرن درخود کشید و بزرگترین آرزوهای بشری را مجسم و فرموله ساخت . رهائی فرد از استثمار و تکمیل و متمیم آزادی فردی که شامل آزادی اقتصادی و تامین تمام حوائج ضروری انسان متمدن است هسته و هدف نهائی مارکسیزم را تشکیل میدهد اما از آن تاریخ تا حال معرفت بشری توسعه یافته و شرایط و امکانات پیشرفت بسوی هدفهای سوسیالیستی هم تغییر پیدا کرده و هم زیادتر شده است . بهمین جهت راه حل های پیش بینی شده و طرقی که منجر بسعادته آید بشری میشود نیز دیگر نمیتواند مفید باشد . مارکسیزم اولین مسلکی نبود که به پیروزی غیر قابل جلوگیری سوسیالیسم عقیده داشت ، سوسیالیست های فرانسه و کمونیست های انگلیسی نیز با حرارت این عقیده را تبلیغ میکردند . تنها نوع سوسیالیسم مارکس و طرز رسیدن بآن که مارکس پیش بینی کرد بادیگر سوسیالیست ها فرق داشت . مارکس اسلاف خود را خیال پرست می نامید اما سرنوشت پیش بینی های مارکس که امروز نوعی سرمایه داری دولتی در قسمتی از جهان است سیستمی را که او پیش بینی کرده بود نیز بیک « اوتوپی » تبدیل گردانید .

انقلاب پرولتری با اوصاف و مشخصات مارکسیستی هرگز نتوانست وقوع پیدا کند . در نیمه اول قرن بیستم و در فاصله بین دو جنگ يك سیستم سرمایه داری دولتی مدتی بنام سوسیالیسم معرفی شد اما جنگ بزرگ دوم بزودی بشریت را با حقایق مواجه گردانید . احزاب کمونیست که پس از جنگ دوم بدست ارتش فاتح بیگانه بقدرت رسیدند جز ایجاد رژیمهای مطلقه سرمایه داری دولتی که

در آن از میزان استثمار طبقات محروم و زحمتکش کاسته نشد کاری از پیش نبردند اکنون پس از دهسال که از جنگ دوم میگذرد تمام قطب نماهای سیاسی و اجتماعی در اثر بحران بین‌المللی و فقر و محرومیت ملل و تسلط اقتصادی و استثمار تحت تاثیر قرار گرفته و قاطعیت خود را از دست داده است و هیچ چیز ضروری تر و فوری تر از این نیست که راهی برای تفاهم بین‌المللی و تامین آزادی و سعادت ملل و احتراز از جنگی که بطرف آن کشیده میشویم پیدا کنیم. سوسیالیست امروز هیچ راه حل ساده برای بحران ندارد.

سوسیالیست های قرن نوزدهم در چشم انداز آینده ارتشی بزرگ را مجسم مینمودند که جز زنجیرهای دست و پای خود چیزی را در مبارزه از دست نمیداد و هر گاه متحد میگردد شکست ناپذیر بود و بطرف پیروزی و سوسیالیسم قدم برمیداشت. اما امروز بخوبی روشن است که بحران تکامل یا بنده جهانی، دسته بندیها، سنن و آداب ملی و قیود و بستگی های تاریخی ملل، اردو های سوسیالیستی را از یکدیگر جدا ساخته است و سوسیالیست های جهان از افکار و عقاید و هدفهای پیروی می کنند که وحدت قطعی را لا اقل برای مدتی بین آنان مشکل میسازد و فروریختن کاخهای خیالی امید باین واقعیت کمک مینماید. عوامل مثبت مارکسیستی دوران عقاید پیش بینی های اشتباه آمیز و استدلالهای نادرست و خصوصاً ماکیاولیسم جدیدی که نتیجه تطبیق و توجیه مارکسیسم در يك کشور عقب افتاده کشاورزی است هنوز مایه امید بشریت و هدف مبارزات اجتماعی اوست. باید اصول مارکسیزم را در مورد رهائی فرد از استثمار و تامین آزادی اقتصادی فرد در جامعه با فلسفه ای که بتواند تحریک و تجسس بشر را برای آزادی و تشنگی او را برای حقیقت و آینده فرو نشاند و ارضا کند در هم آمیخت و بعنوان مکتب اساسی انسانی قبول کرد.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تجربیات تازه که در کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله فرانسه و انگلیس بعمل آمده است نه از آنجهت جالب توجه و حائز اهمیت است که مثلاً در وضع زندگی عده از کارگران تاثیر دارد بلکه زیاده تر از لحاظ اینکه راه تکامل جدیدی در مقابل بشر قرار میدهد و یاب به کشف راه حل نهائی کمک مینماید مورد توجه میباشد بعبارت دیگر این آزمایش ها زیاده تر از لحاظ طریقت خود میتواند مورد استفاده قرار گیرد تا موضوعیت آنها، و توجهی نیز که با آنها معطوف میگردد رهگذر است. در این آزمایش ها سعی شده استثمار تا حدود زیادی از بین برود اختلاف بین انواع کار، کاریدی و فکری، لا اقل از لحاظ درآمد کارگران، از پیش برداشته شود و کارکنان يك کارگاه در تنظیم و رهبری سیاست کارگاه و اداره آن بالسویه شرکت نمایند.

در مرحله دوم اهمیت روح همکاری و معاضدت است که در این کارخانه ها ایجاد شده است و افراد آن یکدیگر را زیاده تر بعنوان عضویک خانواده میشناسند تا

همکاری ساده.

یکی از این آزمایشها در موسسه بزرگی انجام میشود بنام (T.M.E) Telemecanique Electrique این موسسه آلات و ادوات انحصالی موتورهای الکتریکی میسازد و شامل چهار کارخانه است یکی در منیل و سه تا در نزدیکی پاریس، در این موسسه با اجرای یک سیستم پاداش دسته جمعی منافع و فهم و درک مسائل اجتماعی و انسانی کارخانه و هم چنین نتایج استثنائی بدست آمده است.

TME در سال ۱۹۲۵ از طرف چهار مهندس و یک حسابدار و ده کارگر با یک هدف فنی که مورد قبول مؤسسين بود بوجود آمد و در ۱۹۲۸ یک شرکت محدود بدل گردید در ۱۹۵۴ یک موسسه مذکور دارای چهار کارخانه و ۱۷۰۰ کارگر است و محصول آن ده برابر زیادتر از ۱۹۳۸ میباشد موفقیت بطور اساسی نتیجه سیستم دستمزد و پاداش آنست که شامل سه عامل میباشد: حقوق ثابت، سهمی از منافع و یک درجه بندی پارتیه متغیر و تکامل یافته تدریجی دستمزد ها بتمام کارکنان موسسه بطور ماهانه پرداخت میگردد و نرخهای کاردر ساعات مختلف ملغی شد تا اختلاف بین کارمندان و کارگرازمین برود اوزش تمام مشاغل موسسه اعم از کارهای هادی و کارهای ماهرانه و کار اداری و مدیریت و رهبری بطور منطقی سنجیده شده است و زیر دو عنوان اساسی دسته بندی گردیده:

کاری که زیادتر جنبه فکری دارد و کاری که بیشتر جنبه بدنی دارد. هر شغل از طرف دو یا سه نفر ناظر و مطالعه کننده مورد بررسی و مطالعه قرار میگيرد پس از تجزیه و تحلیل دور و دراز و مقایسه و مباحثه و جلب رضایت کمیته های کارگران یک درجه بندی عددی کامل برای آن در نظر میگيرند. هر شغل تعدادی معین امتیاز بدست میآورد و حقوق متناسب آن حاصل ضرب تعداد امتیازات در ارزش پولی هر امتیاز است در حال حاضر زیادترین حقوق هفت برابر کمترین حقوق میباشد.

در مورد تقسیم منافع نیز قوانین مشابهی بکار میرود اما در این مورد ملاک تشخیص تنها مهارت در کار و مسئولیت است. هر شغلی یک طبقه بندی عددی دارد و دامنه این طبقه بندی نیز از یک سهم تا ۲۶ سهم بیش میرود. توزیع منافع بسیار ساده است. نیمی از منافع بامور مالی شرکت و سهامداران شرکت اختصاص دارد و نیمی دیگر بکارکنان داده میشود. بدیهی است ارزش پولی سهام منافع که بکارکنان داده شده است یکسان میباشد منافع نیز بطور ماهانه تقسیم میگردد. و این روش فرصتی ایجاد میکند که در جلسات نظارت کنندگان و کمیته تقسیم منافع (مرکب از نمایندگان هیئت مدیره و کمیته های کارگران) کارکنان کارگاه از تغییرات محصول کارخانه مطلع گردند سهام منافع خود را کنترل کنند و عنداللزوم قضیه را مورد بحث قرار بدهند. توزیع نیمی از منافع بین کارکنان کارگاه آنها را بتدریج وارد اداره و

رهبری کارخانه می کند و باید در نظر گرفت که نتایج حاصله از این سیستم باروش بی تعادل کمیته های کارگری در صنایع بزرگ کاملاً متفاوت است .

درجه بندی متغیر شغلها ارزش پول را در يك نقطه و يك زمان بطور متناوب با تغییرات ارزش و سطح هزینه زندگی متعادل و هم آهنگ میگرداند . طرح پاداش البته قسمتی از يك سیستم اجتماعی بزرگتری است که با اصول سوسیالیسم هم آهنگی دارد . TME ترجیح میدهد که خواص فردی و مهارت کارگران را با ترفیع آنان و تعیین ارزش هر شغل مورد قدردانی قرار دهد و آنها را در منافع شریک بسازد . کلاسهای تربیتی و تعلیماتی در زمینه های مختلف و هم چنین در تعلیم و تربیت عمومی و مهارت برای کارهای خاص تشکیل شده است و هر کارگر میتواند بدون هیچ گونه اشکالی برای بهتر کردن وضع مادی خود تلاش نماید و نتایج آنرا سریعاً بدست آورد .

شرایط کار نیز با دقت زیاد و زیر نظر خود کارگران تنظیم میشود . حرارت کارگاهها - رنگ و بو و وسایل تهویه و جلوگیری از پخش صدا و روشنایی همه با آخرین سیستم و بطور مدرن آسایش کارگران را تأمین مینماید .

رستورانهای کارگاهها عمومی است کارگران ساده، ناظرین و مدیران همه در يك محل و از يك غذا استفاده می کنند .

حمامها و استراحتگاه کارکنان نیز مدرن و عمومی است .

باید در نظر داشت و باین نکته زیاده تر از همه مطالب و نکات دیگر توجه داشت که مفهوم بحث مادر باره TME این نیست که تمام مسائل در آنجا حل شده است . بلکه تنها سیستم دستمزدها پاداش و محیط و شرایط کارگران و خصوصاً اختیارات و اقدامات کمیته های کارگران در TME يك آزمایش جدیدی است که استحقاق دارد با دقت زیادی دنبال گردد .

(ناتمام)